



بهار و نو شدن طبیعت را به شما کارگران و مردم  
آزادبخواه تبریک می گویم. برایتان سالی سرشار از  
امید به آینده و تلاش برای فائق آمدن به مصائب  
بشریت در نظم کنونی آرزو مندیم.

سیاوش دانشور

بیانیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

## در گرامیداشت سالروز کمون پاریس

### در سهای کمون برای مبارزه کمونیستی امروز

در یک نگاه:

کارگران در ایتالیا به ما میگویند:

جنبش ضد جنگ سرمایه داران را میتوان به میدان کشید!

صفحه ۶

رحمان حسین زاده

این زندگی شایسته کارگران نیست

در مورد حداقل دستمزد ۱۴۰۱

صفحه ۸

سعید یگانه

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

اسلاموفوبی

تزی راسیستی است!

سیاوش دانشور

یادداشتها،

کارگران ایتالیا

در باره جنبش ضد جنگ

صفحه ۲

۶۳۹  
مستقلی  
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -  
Hekmatist

۲۷ اسفند ۱۴۰۰ - ۱۸ مارس ۲۰۲۲

بعد از طالبان

سازمان ملل علیه 'اسلام هراسی'

دو سال قبل "یوسف بن احمد العثیمین" دبیرکل سازمان همکاری اسلامی، در سخنرانی بمناسبت سالروز حمله تروریستی به دو مسجد کرایست چرچ در نیوزلند، از سازمان ملل خواست تا روز ۱۵ مارس را به عنوان "روز همبستگی ضد اسلام هراسی" اعلام کنند. امسال و در روز سه شنبه، سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه ای ۱۵ مارس را بعنوان "روز جهانی مقابله با اسلام هراسی" تعیین و نامگذاری کرد. این قطعنامه را نمایندگان دولتهای جمهوری اسلامی، پاکستان، ترکیه، عربستان، اردن و اندونزی، ارائه و مذاکرات برسر تصویب قطعنامه را برعهده داشتند.

بالاخره تبلیغات سالهای طولانی در رسانه های غربی و تلاش مستمر و ممانشات با اسلامی ها نتیجه داد و "اسلاموفوبی" یا "اسلام هراسی" جزو ممنوعه ها شد تا راه را برای جاری کردن بی دردسرتز قوانین و نرمهای اسلامی باز کند و مهمتر نیروهای جنبش اسلام سیاسی را وارد جنگ و رقابت جاری دولتهای سرمایه داری کند. این حرکت با استقبال جمهوری اسلامی و دولتهای مرتجع متشکل در "سازمان همکاری اسلامی" روبرو شد. همه فهمیدند چرا دقیقاً در گرماگرم جنگ و کشتار در اوکراین، به نیروهای اسلامی و دستجات نیابتی نیاز

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## بعد از طالبان

### سازمان ملل علیه "اسلام هراسی" ...

هست و همین دریچه ای برای بقا و امتیازگیری است. این گام بعدی بعد از طالبان و هدیه جدیدی به اسلام سیاسی بود.

تخت روانچی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل، در سخنرانی به این مناسبت از جمله گفت: "برای اعضای سازمان ملل متحد بسیار مهم است که علیه اسلام هراسی، از جمله اقداماتی نظیر ممنوعیت سفر مسلمانان، ممنوعیت حجاب، ممنوعیت نمادهای مسلمانان و استفاده نفرت‌انگیز از اصطلاحات جاهلانه ای مانند تروریسم اسلامی هم صدا شوند".

این حرکت را باید در متن عقب‌گردهای فکری و سیاسی ناشی از جنگ و رقابت دولتهای سرمایه داری قرار داد. میدان دادن به نیروهای ضد جامعه از مذهب و راسیسم تا فاشیسم و اسلام سیاسی، ناشی از تلاشهای امثال یوسف بن احمد العثیمین و مجید تخت روانچی و یا منور شدن افکار نمایندگان دولتهای مرتجع نیست، برعکس، از پروژه های جدید و نیاز به نیروهای اسلامی در جنگ کنونی دولتهای سرمایه داری خبر میدهد.

خود ترم اسلاموفوبی تماماً به مفروضاتی راسیستی متکی است.

چهارچوبی برای محدودیت و نفی نقد اسلام و برسمیت شناسی قوانین اسلامی علیه مردمی است که جرمشان اینست در جوامعی چشم به جهان گشوده اند که بطور اختیاری و با اهداف سیاسی ارتجاعی، "کشورهای اسلامی" و "جوامع اسلامی" نامگذاری شده اند. این حرکتی ارتجاعی توسط دولتهای ارتجاعی است که تنها فضا را برای



اسلامیون مهیا می کند. در شرایطی که نژادپرستی و فاشیسم رسماً پر و بال می گیرد و در سیستم دمکراسی هضم و درونی میشود، چرا اسلام و تروریسم اسلامی نشود؟ مگر غیر اینست که اسلام و فاشیسم تحت حمایت مالی و سیاسی و نظامی دولتهای پرچمدار دمکراسی میدان عمل پیدا کرده اند و در بحران و کشمکش کنونی ضروری شده اند؟

اسلام روبنای سیاسی کشورهای اسلام زده و رژیمهایی مانند جمهوری اسلامی است. تکلیف اسلام را نه سازمان ملل و دایناسورهای کنفرانس همکاری اسلامی؛ بلکه جنبش ضد اسلامی و ضد دینی، جنبش سکولاریستی و کارگری و سوسیالیستی در ایران و افغانستان و کشورهای منطقه معلوم خواهند کرد.

سردبیر.

۱۷ مارس ۲۰۲۲

**جان سپیده قلیان در خطر است**

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت  
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

**از فرزانه زیلابی وکیل کارگران هفت تپه دفاع کنیم!**

دشمنان کارگران هفت تپه، نهادهای حکومتی و امنیتی، برای فرزانة زیلابی وکیل شر اتمند کارگران هفت تپه پرونده سازی کرده اند. فرزانة زیلابی تنها بعنوان یک وکیل از کارگران هفت تپه صمیمانه حمایت کرده است. اما به همین دلیل به وی انواع اتهامات واهی منتسب کردند. پرونده خانم زیلابی علامت "محرمانه" خورده و حتی خود وی از چند و چون اتهامات اطلاع ندارد.

این اقدام انتقام از کارگران هفت تپه و سرکوب وکلای شر اتمندی است که از مردم کارگرو ز حمتکش دفاع می کنند. از فرزانة زیلابی وکیل کارگران هفت تپه دفاع کنیم!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت  
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**



بیانیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

## در گرامیداشت سالروز کمون پاریس

### درسهای کمون برای مبارزه کمونیستی امروز

از فتح باستیل در ۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹ در انقلاب کبیر فرانسه تا بخون کشیده شدن کموناردها در هفته خونین مه ۱۸۷۱، فرانسه درگیر یک دوره تحول و کشمکش سیاسی حاد طبقاتی است. اروپای کهن با حکومت‌های استبدادی و سلطنتی در کشاکش جنگ و برتری جوئی بود و طبقه کارگر در وحشتناک ترین شرایط ممکن زیستی سربازان ساده جنگ و رقابت بورژوازی. در اروپای کهن نیازی اجتماعی و تاریخی برای تغییر ضروری شده بود و این کارگران قهرمان پاریس بودند که با اولین انقلاب کارگری جهان فصلی نو در انداختند. کمون پاریس از یکسو در تحولات انقلاب فرانسه از جمله سقوط امپراتوری دوم، اعلام جمهوری سوم، مسئله کمبود غله و نان و گرسنگی شدید، شکست فرانسه در جنگ با دولت پروس ریشه دارد، و از سوی دیگر، به تجارب برجسته مبارزه طبقه کارگر اروپا مانند جنبش چارتیستها در انگلستان، شورش مسلحانه کارگران نساجی آلمان و کارگران ابریشم بافی لیون فرانسه، متکی بود.

کمون پاریس فشرده تجربه مبارزه طبقه کارگر بود. کارگران فرانسه از انقلاب کبیر فرانسه تا کمون پاریس بارها مسلح شدند و در سنگرهای مختلفی جنگیدند اما هر بار حاصل فداکاری پرولتاریا را بورژوازی مرتجع و اشراف سلطنت طلب درو کردند. در انقلابهای ۱۸۴۸ اروپا، در فرانسه سلطنت بوبورن ها و لوئی فلیپ سرنگون شد و حاصل آن جمهوری دوم فرانسه در ماه فوریه شد. تنها چند ماه بعد در اواخر ژوئن ۱۸۴۸ کارگران پاریس قیام کردند. قیام ژوئن کارگران پاریس بخون کشیده شد. تجربه قیام ژوئن ۱۸۴۸ و سرنگونی بوبورن ها این ضرورت را برجسته کرد که کارگر باید راسا و در صف مستقل خویش برخیزد و کل نظم کهن را درهم بکوبد. این تجربه در ۱۸ مارس ۱۸۷۱ به کمون پاریس منجر شد.

اما اتفاق مهم دیگری زمینه خروش پرولتاریای پاریس بود. ناپلئون سوم که با موج نارضایتی عمومی و فقر و گرسنگی شدید روبرو بود، با بیسمارک برسر منطقه "زاین" در ژوئیه ۱۸۷۰ وارد جنگ می شود. ناپلئون در این نبرد متحمل شکست های پی در پی میشود و بناچار "سدان" را به ارتش پروس تسلیم میکند. تسلیم سدان و شکست ناپلئون سوم و دستگیری وی توسط ارتش بیسمارک در روزهای اول سپتامبر، تنور تحولات فرانسه را داغ تر میکند. روز ۴ سپتامبر با خبر تسلیم در سدان، کارگران پاریس به چند مرکز دولتی حمله می کنند و مجلس قانونگزاری را وادار به اعلام سقوط امپراتوری می کنند. عصر روز چهارم سپتامبر در تالار شهرداری مرکزی پاریس "جمهوری" اعلام و "حکومت موقت دفاع ملی" با سیاست ادامه جنگ و بیرون کردن ارتش پروس از فرانسه، مستقر می شود.

کارگران پاریس مسلح بودند و بورژوازی فرانسه تلاش داشت با تبلیغات ناسیونالیستی دولت "دفاع ملی" را تحکیم کند. اولین اقدام "دولت دفاع ملی" برقراری نظم و سرکوب طبقه کارگر و خلع سلاح آنان بود. در ۳۱ اکتبر ۱۸۷۰ و در ۲۲ ژانویه ۱۸۷۱ کارگران مسلح تلاش کردند که دولت دفاع ملی را درهم بکوبند اما هر بار سرکوب شدند. در فاصله اکتبر ۱۸۷۰ تا مارس ۱۸۷۱، کارگران پاریس واحدهای مسلح خود را در مناطق بیست گانه پاریس سازمان داده بودند و مهمتر ارتش کارگری خود را تحت عنوان "گارد ملی کارگران" و "کمیته مرکزی گارد ملی" ایجاد کردند. دولت در فکر خلع سلاح کارگران بود و اولین کنگره گارد ملی از زبان "وارلین" یکی از نمایندگانش قاطعانه اعلام کرد: "ما کارگران به خود اجازه خلع سلاح نخواهیم داد، نبرد تا پیروزی ادامه دارد!" کارگران پاریس در کشمکش با "دولت دفاع ملی" هر بار موفق شدند زور را با زور پاسخ دهند. در این نبردها هر روز آموزش دیدند، قدرت شان را حفظ و تحکیم کردند و برای تصرف قدرت در روز ۱۸ مارس آماده شدند. مارکس در بیانی شیوا میگوید:

"در صبح ۱۸ مارس، پاریس با صدای رعد آسای "زنده باد کمون" از خواب بیدار شد... پرولترهای پاریس، در میان ضعف‌ها و خیانت‌های طبقات حاکمه دریافتند که ساعت عمل برای نجات اوضاع، از راه به دست گرفتن اداره امور کشور، فرا رسیده است... وقتی کمون پاریس زمام انقلاب را به دست خود گرفت، وقتی برای نخستین بار کارگران ساده جرأت کردند به امتیازات "بالا دستی‌های" خود تجاوز کنند، در آن وقت دنیای کهن به دیدن درفش سرخ، مظهر حکومت کارگری که بر فراز شهرداری به اهتزاز درآمده بود، از خشم و غضب متشنجانه به دست و پا زدن افتاد. این کارگران ساده در شرایط بیمانندی از سختی، با فروتنی و دلسوزی و به نحوی مؤثر کار خود را به انجام رسانند و آن هم در ازای حقوقی که بالاترینش به قول یک مقام عالی علمی، به زحمت به یک پنجم حقوق منشی شورای اداری یکی از مدارس لندن می‌رسید".

#### اقدامات کمون

کمون از ۱۸ مارس تا ۲۱ مه اقداماتی صورت داد که بورژوازی در یک قرن نتوانسته صورت دهد. این درحالی است که همان روز ۱۸ مارس "آدلف تی پر" که برای خلع سلاح پاریس تلاش می کند، ارتش را به پاریس اعزام می‌کند، اما سربازان با آژیتاسیون یکی از

## در گرامیداشت سالروز کمون پاریس

### درسهای کمون برای مبارزه کمونیستی امروز ...

زنان کمونارد به کارگران پاریس ملحق می شوند، از فرمان آتش به سمت کارگران خودداری می کنند و دو ژنرال فرمانده خود "کلود مارتن لیکنت" و "ژاک لئونار کلمان توما" را بقتل میرسانند. تی پر بدنبال این واقعه جنگ داخلی را آغاز می کند. زنان نقش بسیار برجسته ای در کمون و در نبردها داشتند. بسیاری کارها از فرماندهی جنگ تا اداره امور را زنان عهده دار شدند.

روز ۲۶ مارس، کمون پاریس توسط شهروندان پاریس انتخاب می شود. کمون شامل کارگرانی است که در بین آن‌ها پیروان انترناسیونال از پرودون تا بلانکی وجود دارند. در فاصله ۱۸ تا ۲۶ مارس کمیته مرکزی گارد ملی اداره امور و وظائف حکومت را در دست دارد. در ۲۸ مارس، کمیته مرکزی گارد ملی استعفا میدهد. در ۳۰ مارس، کمون نظام وظیفه و ارتش دائمی را ملغی می کند. گارد ملی تنها نیروی مسلحی است که همه افراد قادر به حمل سلاح در آن ثبت نام می کنند. کمون کلیه اجاره خانه‌های معوقه را از اکتبر ۱۸۷۰ تا آوریل ۱۸۷۱ می بخشد. در همان روز اعتبارنامه خارجیانی که برای عضویت کمون انتخاب شده‌اند، تایید می شود، زیرا پرچم کمون پرچم جمهوری جهانی است. در روز ۱ آوریل، کمون اعلام می کند که بالاترین حقوق دریافتی یک عضو کمون از ۶۰۰۰ فرانک تجاوز نمی کند. در روز ۲ آوریل، کمون جدائی کلیسا از دولت، الغای هرگونه کمک مالی دولت به مقاصد مذهبی و تبدیل تمام اموال کلیسا به اموال دولت را مقرر کرد. مذهب امری صرفاً شخصی اعلام می شود. در روز ۵ آوریل، در تلاش برای جلوگیری از تیرباران کموناردها توسط ورسای، یک لایحه قانونی در مورد گروگان‌ها تصویب شد. براساس این تصویب نامه همه کسانی که به داشتن ارتباط با حکومت در ورسای متهم می شدند، گروگان اعلام شدند. این تصمیم اما هرگز اجرا نشد. در روز ۶ آوریل، گیوتین این مظهر اعدام توسط گردان ۱۳۷ گارد ملی بیرون آورده شد و در میان غریب شادی پاریسی ها سوزانده شد. در روز ۷ آوریل، ارتش ورسای یک جبهه در غرب پاریس را تصرف و به تیرباران کموناردها مبادرت نمود. کمون در اینروز در عکس العمل به سیاست تیرباران کموناردهای دستگیر شده، سیاست "چشم در مقابل چشم" و "دندان در مقابل دندان" را اعلام و تهدید به مقابله به مثل کرد. اما یک اقدام جنگی و تبلیغاتی بود، کارگران پاریس هیچ کسی را در دوره حکومت کمون اعدام نکردند. در روز ۸ آوریل، کمون با تصویب یک لایحه قانونی هرگونه نشانه، تصویر، دگم و دعای مذهبی را از مدارس بیرون راند. این قانون مقرر کرد هرآنچه به حوزه وجدان فردی تعلق دارد از مدارس خارج گردد. در روز ۱۱ آوریل، جنوب پاریس درگیر تهاجم ارتش فرانسه است، کموناردها ارتش فرانسه را عقب می رانند. در ۱۲ آوریل، کمون تصمیم میگیرد که "ستون پیروزی" در میدان "واندوم"، این نماد ناسیونالیسم و عظمت طلبی فرانسه را که پس از فتوحات ناپلئون در ۱۸۰۹ از توپ‌های غنیمتی ساخته شده بود، به عنوان نشانه شوینیسم و تحریک

نفرت ملی، تخریب کند. این دستور کمون در روز ۱۶ مه اجرا شد. در روز ۱۶ آوریل، کمون تعویق سررسید کلیه بدهی‌ها و لغو بهره آنها را تا سه سال بعد اعلام کرد. همینطور کمون تصویب کرد که لیستی از کارخانه‌هایی که توسط صاحبان آنها بسته شده اند تهیه شود و طرح‌هایی تنظیم گردد که مطابق آنها این کارخانه‌ها توسط کارگران سابق خود که در تعاونیها متشکل می شوند، اداره گردند. این تعاونی‌ها در یک سندیکای واحد بزرگ متشکل شوند. در روز ۲۰ آوریل، کمون شب کاری کارگران نانوائی را ممنوع کرد. همچنین کارت قدیمی ثبت نام کارگران که توسط امپراطوری دوم تهیه شده بود را ملغی و صدور کارت ثبت نام کارگران را به شهرداری مناطق بیست گانه پاریس واگذار کرد. در روز ۲۳ آوریل، نمایندگان کمون با تی پر برای معاوضه بلانکی نماینده منتخب کمون که زندانی بود با اسقف اعظم ژرژ داربوا و کلیه کشیش‌هایی که در پاریس گروگان بودند، مذاکره میکند. تی پر مذاکرات را قطع و بر خطر "توطئه پاریس" تاکید میکند. در روز ۳۰ آوریل، کمون دستور تعطیل گروخانه‌ها را به این دلیل که وسیله استثمار کار هستند و با حق کارگران بر ابزار کار خود و حیثیت شخصی شان تناقض دارد، صادر می کند. در روز ۵ مه، کمون دستور تخریب "محراب ندامت" که در استغفار از اعدام لویی ۱۶ ساخته شده بود، را صادر می کند. در روز ۱۶ مه، ستون "واندوم" بعنوان مظهر افتخار ناسیونالیسم و توسعه طلبی فرانسوی در میان شادی کارگران انقلابی پاریس واژگون می شود. اقدامات کمون در متن یک جنگ بیوقفه توسط دولت انقلابی کارگری صورت گرفت. روز ۲۱ مه، سربازان ورسای وارد پاریس میشوند و نبرد سنگر به سنگر با کموناردها در پاریس آغاز میشود.

کمون از ۱۸ مارس تا ۲۸ مه طول طول کشید. در فاصله ۲۱ تا ۲۸ مه ۱۸۷۱ یعنی هفته خونین، ارتش تی پر در همکاری با بیسمارک، کموناردها را قتل عام کرد. پروسی‌ها که دژهای شمال و شرق پاریس را در دست داشتند به سربازان ورسای اجازه می دهند که از طریق املاک شمال پاریس که مطابق قرارداد آتش بس برای آن‌ها منطقه ممنوعه بود، به سمت پاریس پیشروی کنند. کارگران پاریس در این جناح نیروی اندکی داشتند. در نتیجه، در نیمه غربی پاریس (شهر تجمل) مقاومت ضعیفی صورت گرفت و هرچه سربازان به نیمه شرقی پاریس (شهر کارگران) نزدیک تر می شدند مقاومت سرسختانه بود. ارتش فرانسه هشت روز را به کشتار کارگران و تیراندازی به غیر نظامیان گذراند. این عملیات توسط مارشال ماکماهون رهبری می شد که بعداً به ریاست جمهوری فرانسه رسید. حدود ۳۰۰۰۰ کمونارد بی محاکمه تیرباران شدند. قریب ۳۸۰۰۰ نفر زندانی گردیدند و حدود ۷۰۰۰۰ به تبعید فرستاده شدند.

نام و مقاومت کموناردهای قهرمان پاریس بر پرلاشز و سنگفرشهایش حک شده و بعد از صد و پنجاه سال هنوز نام پرلاشز آخرین سنگر کموناردها را تداعی می کند. دیوار گورستان پرلاشز بعدها "دیوار هم پیمانان" نام گرفت، محلی که صدها کمونارد وقتی بعد از شلیک آخرین گلوله هایشان اسیر شدند، دستجمعی در این محل با فریاد "زنده باد کمون" تیرباران شدند. بقول مارکس، "حتی آزمایانی که خیزش در معرض شکست بود، کارگران هنوز به مقاومت قهرمانانه خود پای می فشردند. آنها مرگ با افتخار، با تفنگ در دست را ترجیح

## در گرامیداشت سالروز کمون پاریس

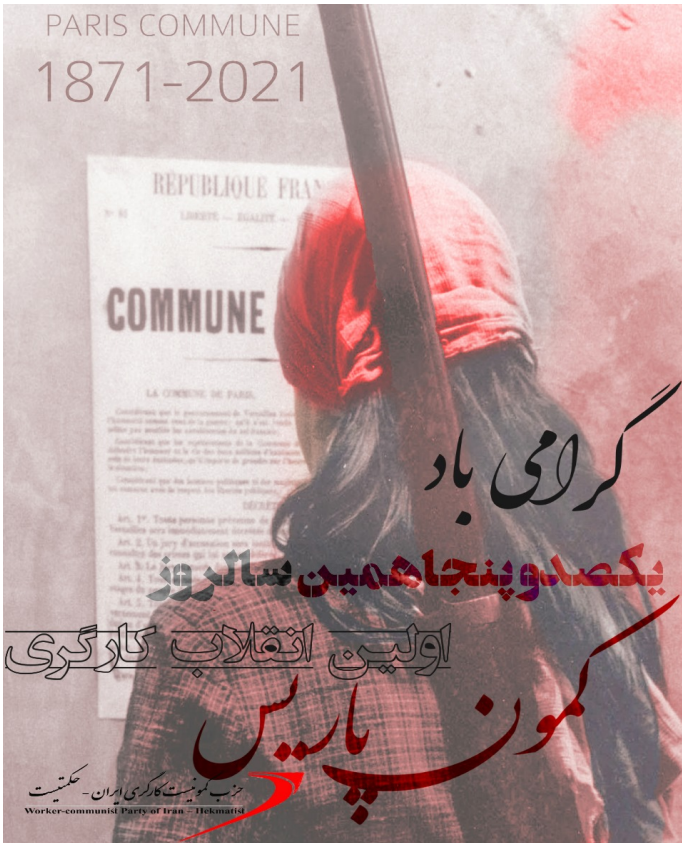
## درسهای کمون برای مبارزه کمونیستی امروز ...

دادند. آنها نمی خواستند سلاحشان را بر زمین گذارند زیرا که می خواستند سر بلند زندگی کنند. آنها روح پرولتاریای انقلابی را به نمایش گذاشتند و مرگ را بر تسلیم شدن بی افتخار ترجیح دادند. بدنبال قتل عام مه و دستگیری ها و تبعیدهای وسیع، حکومت ضد انقلابی ورسای در ژوئن ۱۸۷۱ مجددا در پاریس مستقر شد.

کمون دولت انقلابی طبقه کارگر بود که در پی استقرار نظم جدیدی بود. بقول مارکس، "جوهر حقیقی کمون این بود که کمون، یک دولت کارگری بود. محصول مبارزه طبقه تولید کننده بر علیه طبقه غاصب و چپاولگر محصول تولید. سرانجام، آن روبنای سیاسی که تحت حاکمیت آن، امکان رهایی اقتصادی کار میسر میگردد، کشف گردید". نظام شورائی محصول تجربه کمون پاریس است. ترکیب کمون عمدتاً از اعضای انترناسیونال و پرودونیست ها و بلانکیست ها بود اما اقدامات کمون از این چهارچوبها بسیار فراتر رفت و پرولتاریا با اتکاء به غریزه طبقاتی خود، رشته های اتصالی به پرودونیسم و بلانکیسم را پاره کرد و به مسائل دوره خویش جواب داد. بقول انگلس، "کمون گور هر چیز کهنه و بطور اخص سوسیالیسم فرانسوی بود، هم زمان گهواره انترناسیونالیسم کمونیستی بود که در فرانسه جدید بود." اولین درس کمون اینست که طبقه کارگر نمیتواند ماشین حاضر و آماده دولت بورژوائی را بکار بگیرد بلکه باید آنرا در هم بکوبد و ارگانهای نظم نوین کارگری را جایگزین کند. کموناردها بدلیل شرافت بیش از حدشان و بخشاً بدلیل بقایای توهومات پرودونیستی به بانک فرانسه دست نزدند و مهمترین قدرت بورژوازی را دست نخورده باقی گذاشتند. کمون نشان داد فقدان یک حزب سیاسی کمونیستی در اوج فداکاری طبقه کارگر فاجعه بار است و هر پیروزی را معکوس میکند.

گرامیداشت کمون پاریس برای طبقه کارگر جهان و کمونیسم کارگری در ایران، نه تجلی عرفانی از یک تجربه مبارزه کارگری بلکه اقدامات و درسهایی است که برای مبارزه طبقاتی امروز دارد. امروز در جنبش کارگری جهانی نه پرودونیسم و نه بلانکیسم وجود خارجی ندارد، کارگران از این توهومات در همان دو ماه سرخ پاریس عبور کردند. اما دولت نوع کمون، شورا در مقابل پارلمان، تسلیح عمومی و میلیس توده ای در مقابل ارتش حرفه ای و مافوق مردم، اقدامات فوری برای رفع تبعیض و برابری، کوتاه کردن دست دستگاه دین و خرافات، تقابل با عظمت طلبی و ناسیونالیسم با هویت انترناسیونالیستی، برافراشتن پرچم جمهوری جهانی در مقابل رقابت و قدرت بورژوازی در هر کشور، عدم تکرار کمبودهای انقلابات کارگری و آماده شدن برای مبارزه ای بدون توهم با کلیت نظام بورژوائی، اینها مسائل اساسی هستند که در دنیای قرن بیست و یکم بسیار حیاتی و در مقابل نظم کهنه بورژوائی بسیار تازه و بدیع هستند.

در این مناسبت حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همراه با



کارگران جهان سالروز کمون پاریس و مقاومت و قهرمانی کموناردها را گرامی میدارد و همراه با آنان با صدای رعد آسا "زنده باد کمون" میگوید. کمونیسم تنها راه نجات بشریت امروز است.

زنده باد یکصد و پنجاهمین سالروز کمون پاریس!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۴ مارس ۲۰۲۱ - ۱۴ اسفند ۱۳۹۹

**مجمع عمومی ظرف ابراز وجود**

**مستقیم و مستمر کارگران است!**

**مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به**

**هر نیازی برپا کنید!**

**جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!**

**برابری و رفع تبعیض همین امروز!**

## در یک نگاه:

## کارگران در ایتالیا به ما میگویند:

جنبش ضد جنگ سرمایه داران را میتوان به میدان کشید!

رحمان حسین زاده



هفتاد میلادی قرن بیستم بودند. در آغاز همین قرن بیست و یکم به هر درجه ای اتحادیه های کارگری، نیروهای چپ و کمونیست در صحنه حضور داشتیم، به همان نسبت نقش سازمانده و هدایت گر در شکل دادن به حرکت اعتراضی برحق در مقابل لشکرکشی امپریالیستی آمریکا و بریتانیا در جنگ عراق و افغانستان به عهده گرفتیم. به این دلیل همانوقت حرکت

و ترند متفاوت رادیکال و قابل حمایت جنبش ضد جنگ در تمایز و حتی تقابل با جنبش و ترند ارتجاعی علیه جنگ در صحنه حضور داشت و انتخاب قابل دسترسی برای مردم آزادیخواه ضد جنگ فراهم بود و به آن می پیوستند. اکنون سه هفته از شروع این جنگ ارتجاعی و از لشکرکشی ارتش روسیه به اوکراین میگذرد، به غیر از این چند مورد محدود اعتراض برحق کارگران ایتالیا، شاهد حرکت اجتماعی ضد جنگ قابل حمایت در کشورهای مختلف نیستیم و به این معنا انتخاب درستی در مقابل کارگر و مردم منتفراز جنگ قرار داده نشده است. در نتیجه صورت مسئله اینست، چرا نیروهای چپ و کارگری و کمونیست مبتکر به میدان کشیدن اجتماعی توده کارگر و مردم منتفر از این جنگ مهیب که جهان را تهدید میکند، نیستند؟

## مشکل چیست؟

مشکل هرچه باشد، معرفتی نیست، عدم تمایل کارگر و مردم به پیوستن به جنبش ضد جنگ سرمایه داران هم نیست و بعلاوه در شهرهای اروپا و آمریکا مانع اختناق و سرکوب هم نیست. مشکل پاسیفیسم و بی عملی تاکنونی اتحادیه ها و سازمانهای کارگری، نیروها و احزاب چپ و ضد جنگ به باور من سیاسی است. در سطح ماکروی سیاسی عملکرد سه نوع سیاست و نگرش موجود در میان قطب کارگری و چپ کنونی در کشورهای اروپایی و غربی و در میان نیروهای متعلق به صف کارگری و چپ حتی در ایران هم موجب پاسیفیسم و بی عملی کنونی است. از جمله:

۱- بخشی از نیروی مورد بحث ما در این جنگ تحت تاثیر پروپاگاندا رسانه ها و دولتهای غربی علیه کلیت این جنگ و کل قطبها و نیروهای درگیر آن نیستند. بلکه یکجانبه در تقابل با زورگویی میلیتاریستی هیئت حاکمه روسیه و لشکرکشی آن به اوکراین، عملاً همسوی سیاستهای ارتجاعی غرب و آمریکا و ناتو و همگام اعتراضات پروغربی اند. تحرکاتی که نه تنها پیشبرنده جنبش ضد جنگ برحق نیست، بلکه مانعی در مقابل شکل دادن به جنبش ضد جنگ سرمایه داران است.

۲- برعکس دسته بالا، بخشی از نیروهایی که خود را متعلق به جبهه کارگر و چپ و ضد امپریالیست میدانند، بی اما و اگر در کنار پوتین و هیئت حاکمه تماماً مرتجع روسیه هستند. پروپاگاندا و توجیهات سوپر ناسیونالیستی دولت روسیه در هجوم به اوکراین را پذیرفته اند. مصلحت شان چنان است، قدرت حاکمه در روسیه را نه به عنوان یک قدرت امپریالیستی بلکه به عنوان ضد امپریالیسم آمریکا و غرب حمایت کنند. در چهره پوتین جنایتکار "قهرمان ضد فاشیست و نازی زدا" را یافته اند. در رأس این جریانات حزب کمونیست فدراسیون

صفحه ۷

این خبر امیدبخش را شنیدیم، که کارگران فرودگاه شهر پیزای ایتالیا از بار زدن و انتقال سلاحهای جنگی به اوکراین در پوشش "امکانات و تجهیزات بشردوستانه" با جسارت خودداری کردند. قبلاً هم در شنبه بیست و ششم فوریه، در اجتماعات اعتراضی اتحادیه های کارگری ایتالیا، شعار "نه به جنگ سرمایه داران" بدون سمپاتی به دو طرف این جنگ ارتجاعی مطرح شده بود. در غیاب تاسف بار جنبش برحق ضد جنگ جاری در اوکراین، این نمونه های رادیکال عمل کارگری در قبال این جنگ پر از مصیبت امیدوار کننده است. با خواندن این سطور حتماً عده ای معترضانه میپرسند: "مگر این همه تظاهراتها و اعتراضات وسیع در پایتختها و شهرهای بزرگ اروپا و آمریکا و غرب، به نام جنبش ضد جنگ را نمی بینید؟" پاسخ سراسر من اینست، آنچه تاکنون دیده و مشاهده کرده ایم، "جنبش ضد جنگ نیست، جنبش تشدید جنگ است"، صرف نظر از نیت فردی بخشی از انسانهای شریفی که در این تظاهراتها شرکت دارند و چه بسا خیلی ها از سر نفرت از جنگ و به قول معروف "آرامش طلبی و صلح" در آن شرکت کنند، اما افق و سیاست و شعارهای حاکم بر این تحرکات اعتراضی و هدف نیروها و جریانات راست پروغربی هدایت گر و سازمانده آن تشدید جنگ است. حرکتی که با شعار حمایت مادی و نظامی آمریکا و ناتو از یک طرف جنگ، و ایجاد فضای پرواز ممنوع بر فراز آسمان اوکراین به میدان آمده است، عملاً خواستار تشدید و گسترش جنگ به دیگر کشورهای اروپایی عضو ناتو و به معنای دقیقتر هیزم بیار یک جنگ جهانی است. این نوع "جنبش ضد جنگ" دنبالچه سیاستهای غرب و ناتو و مطلقاً نه تنها قابل حمایت نیست، تردیدی نیست، در مورد اهداف و سیاستهای ارتجاعی حاکم بر آن و ماهیت هدایت گران و سازماندهنگان این نوع "جنبش ضد جنگ" مجدانه باید آگاهگری و افشاگری کرد، اما این هنوز کافی نیست، سؤال اینست "جنبش رادیکال ضد جنگ" چرا غایب است؟ تحرک اعتراضی از جنس کارگران در ایتالیا با شعار "علیه جنگ سرمایه داران" و به دور از نزدیکی و سمپاتی به یک طرف این جنگ ضد انسانی چرا وسیع و گسترده، در صحنه نیست؟

پاسیفیسم حاکم بر نیروهای کارگری و چپ و کمونیست در قبال این جنگ!

وقتی از غیاب "جنبش ضد جنگ سرمایه داران" و در صحنه نبودن، جنبش برحق و رادیکال برای توقف این جنگ ارتجاعی صحبت میکنیم، به معنای واقعی داریم از غیاب و در صحنه نبودن نیروهای رادیکال کارگری و چپ و مترقی در تقابل با پیامدهای این جنگ خانمانسوز صحبت میکنیم. برای مثال نیروهای رادیکال و چپ و کارگری سازمانده و الهام بخش جنبش رادیکال ضد جنگ ویتنام در دهه شصت و

آموزش رایگان برای همگان!

منطقی خود را علیه تجاوزگری ناسیونالیسم عظمت طلب روسی به جنبش قوی ضد این جنگ ویرانگر که هم اکنون موجب میلیونها آواره و هزاران کشته و زخمی، و ویرانی بسیاری شهرها شده، ترجمه نکنند. همین موجب پاسیفیسم قابل مشاهده و مانع اقدام و ابتکار فعال برای سازماندهی جنبش ضد جنگ سرمایه داران است.

واقعیت اینست این بخش از نیروهای کارگری و چپ، اعم از اتحادیه ها و سازمانهای کارگری اساسا در کشورهای غربی و نیروهای چپ و کمونیست و مترقی با نقد و شناخت آگاهانه عوامل پاسیفیسم کنونی باید و لازمست به نیروی فعال و مبتکر سازماندهی آکسیونها و اعتراضات رادیکال و سازمانده جنبش ضد جنگ سرمایه داران تبدیل شوند. وقت آنست با شعار و پلانفرم "نه به جنگ سرمایه داران"، "دست قطبهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی روسیه و اوکراین از سر مردم کوتاه"، "این جنگ باید متوقف شود" به میدان آمد. این بخش از نیروهای کارگری و چپ در جهان و در شهرهای اروپا و آمریکا میتوانند و لازمست ابتکار سازماندهی جنبش ضد جنگ سرمایه داران را به دست بگیرند. در همین راستا ما نیروهای چپ و کمونیست ایران علاوه بر وظایفمان در داخل کشور علیه این جنگ، میتوانیم و باید در کشورهای غربی محل استقرارمان در سازماندهی آکسیونها و اعتراضات رادیکال علیه این جنگ و کمک به شکل گیری جنبش ضد جنگ سرمایه داران نقش ایفا کنیم.

\*\*\*

## کارگران در ایتالیا به ما میگویند:

**جنبش ضد جنگ سرمایه داران را میتوان به میدان کشید ...**

روسیه به رهبری زیوگانف و همفکرانش در سراسر دنیا و از جمله در ایران هم نه علیه این جنگ، بلکه خودشان نیروی فعاله سیاسی و عملی ارا به جنگی پوتین هستند. اینها نقطه مقابل اعتراضات برحق و شکل دادن به جنبش ضد جنگ سرمایه داران هستند.

۳- متفاوت از دو ترند بالا بخش وسیع و قابل توجهی از اتحادیه ها و سازمانهای کارگری، نیروهای چپ و رادیکال و کمونیست علیه کلیت این جنگ و هر دو قطب ارتجاعی جهانی و دو دولت حاکم بر روسیه و اوکراین موضع گرفته اند. سمپاتی سیاسی به طرفین این جنگ نشان نداده اند. اما عملا مبتکر اقدام پراتیکی و به حرکت درآوردن مردم معترض و منزجر از این جنگ نشده اند. به نظرم این بخش اول از سر ضدیت واقعی با سیاستهای جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا و غرب و کارکرد ناتو، آن حساسیت پراتیکی لازم را در مقابل قلدری و لشکرکشی امپریالیسم روسیه به اوکراین را از خود نشان نداده است. گویی کارکرد جنایتکارانه آمریکا و غرب و ناتو در کل نیم قرن گذشته و در همین سه دهه بعد از فروپاشی شرق موجبی است، که اعتراض

"مادام که در نظامی هویت انسانی اولیه  
توده کارگر و زحمتکش قانونا زیر سوال  
است، که در آفریقای جنوبی، ایران  
اسلامی، عربستان سعودی و اسرائیل و  
کلیه رژیمهای قومی، نژادی و مذهبی؛  
آشکارا چنین است، امر سوسیالیسم به  
امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و  
مدنی انسانها گره میخورد".

منصور حکمت

**دانش آموزان و خانوادهها**  
**از اعتراضات برحق معلمان حمایت کنید**  
**آزادی و رفاه حق مسلم ما است**



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

**جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!**



حذف ارز ترجیحی و بالا رفتن سریع قیمت کالاهای اساسی، گره چاندانی از زندگی کارگران باز نمی کند و باز سختی های زیادی در راه است.

مسئله مهمتر اما این است که بسیاری از کارگران، بیکاران و حاشیه نشینان تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی نیستند و از شمول همین حقوق ناچیز

مندرج در قوانین ضد کارگری نیز محرومند. بنابراین همین افزایش دستمزد به بسیاری از کارگران که شمول قانون کار نیستند، کارگران شرکتی پیمانی، کارگران با دستمزد توافقی و انواع قراردادهای موقت و سفید همین هم پرداخت نمی شود. علاوه بر این بیکاری مزمنی که هر روز بر اثر تعطیلی واحدهای تولیدی گسترش می یابد، کارگر را ناچار می کند که برای امرار معاش و تهیه وسایل زندگی تن به هر موازین کاری بدهد و این شرایط دست کارفرما را برای پرداخت دستمزد کمتر و استنثار و حشبانه تر نیروی کار کارگر باز میگذارد.

این زندگی شایسته کارگران نیست. هر چه زمان می گذرد با توجه به بحرانهای اقتصادی و اجتماعی که عموماً لاینحل می ماند، امید اینکه در جمهوری اسلامی بهبودی ولو کوچک در زندگی کارگران و اکثریت مردم زحمتکش حاصل شود به امری دست نیافتنی تبدیل شده است. این درجه از فقر و فلاکت و بیکاری در فضای توأم با سرکوب و اختناق، اکثریت کارگر و زحمتکش و معلم و تهیدستان را در ابعادی وسیع به مصاف حکومت سرمایه داری ایران کشانده است. مبارزه برسر حقوقهای معوقه، اضافه دستمزد و علیه تورم و گرانی به مسئله هر روزه اکثریت مردم فقر زده جامعه تبدیل شده است.

در این شرایط ملتهب کارگران بدلیل سرکوب و ممانعت حکومت از ایجاد سازمانهای کارگری که بتوانند کارگران را در مذاکرات دستمزدی نمایندگی کنند، در تصمیم برسر دستمزدها نقش نداشتند و آنرا محکوم و مطرود می دانند. به همین دلیل نیز مبارزه کارگری برسر افزایش دستمزد و سایر مطالبات کارگری در رشته های مختلف محدود مانده است. لذا کارگران برای به میدان آوردن قدرت اجتماعی خود در مقیاسی وسیع تر باید راه های دیگری انتخاب کنند. ما دستمزد و حقوق مکفی برای تمام آحاد جامعه نیاز داریم که جوابگوی تامین هزینه های زندگی امروز باشد. این از جلسات شورای ناعالی کارفرمایان درنمیاید بلکه از مجامع عمومی کارگران باید بیرون بیاید. ما کارگران مراکز مهم کارگری را به تشکیل مجمع عمومی و انتخاب نمایندگان و رقم مورد نظر کارگران برای دستمزد پایه و حقوق مکفی همگانی فرامیخوانیم. این نمایندگان مستقل کارگران میتوانند کل طبقه کارگر را در مقابل سرمایه داران و دولتشان در مذاکرات برسر دستمزدها نمایندگی کنند. تحقق هر درجه از خواست و مطالبات کارگری از جمله دستمزد و حقوق مکفی برای همه آحاد زحمتکش جامعه، در گرو به میدان آمدن قدرت سراسری کارگران است.

۱۷ مارس ۲۰۲۲

## این زندگی شایسته کارگران نیست

در مورد حداقل دستمزد ۱۴۰۱

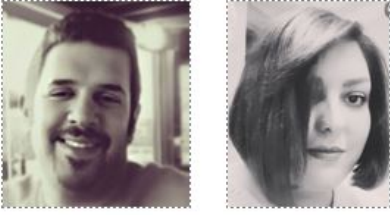
سعید یگانه

بعد از مدتها مذاکرات برسر دستمزد کارگران برای سال پیش رو، بالاخره شورای عالی ضد کارگری دولت و کارفرما، به سیاق معمول و همانطور که انتظار میرفت با افزایش ۵۷ درصدی اضافه دستمزد که چندین درجه زیر خط فقر واقعی و میدانی است، کارگران را در سال آینده نیز به ادامه فقر و فلاکت محکوم کردند. سال جاری که در اوج تورم و گرانی و فلاکت، حداقل دستمزد کارگر ۲ میلیون و ۶۵۵ هزار تومان یعنی کمتر از یک سوم خط فقر مورد اشاره دولت است، منت سر کارگران گذاشته اند که با ۵۷ درصد اضافه حقوق، حداقل دستمزد کارگران به ۴ میلیون و ۱۷۹ هزار تومان یعنی بیشتر از یک سوم خط فقر ۱۱ میلیونی مورد اشاره دولت افزایش یافته و مدعی اند که با این درصد اضافه حقوق تورم ۴۱ درصدی را پوشانده اند و مشکل معیشتی کارگران را حل کرده اند! عوامل حکومتی به نام "نماینده کارگری" در شورای عالی کار با افتخار می گویند که زیاد چانه زدند و چشم روی چشم نگذاشتند تا بالاخره توانستند این درجه افزایش دستمزد را بقبولانند و در عین حال پنهان نمی کنند که بگویند "باید انصاف هم داشته باشیم و حق هم به کارفرما بدهیم که زیاد تحت فشار قرار نگیرند". مهم نیست که کارگر چه رنجی می کشد.

اعلام این درجه افزایش دستمزد در شرایطی است که بنا به گفته دولت، سبد معیشت ۹ میلیون و خط فقر ۱۱ میلیون است، یعنی حداقل دستمزد تعیین شده بنا به این ادعای آنان، نصف سبد معیشت و تقریباً بیشتر از یک سوم خط فقر مورد اشاره دولت است. تعیین حداقل دستمزد برای حکومت و کارفرمایان هر معیاری که داشته باشد، و تردیدی نیست که جعلی و غیر واقعی است، برای کارگران عاقبت، میزان افزایش دستمزد را با هزینه سرسام آور زندگی، تورم و گرانی در میدان و آنچه خود به چشم می بینند، می سنجند، نه آمارهای تقلبی و جعلی بانک مرکزی. بنابراین افزایش ۵۷ درصدی دستمزد که ظاهراً رقم بالایی است، با هزینه مسکن که به گفته یکی از عوامل حکومتی و "نمایندگان به اصلاح کارگری" هنوز از جانب دولت تصویب نشده است و بن کارگری و حق اولاد جمعا به ۶ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان میرسد. این با فرض منمد شدن هزینه ها هنوز نصف خط فقر رسمی است که عدد واقعی آن حدود ۱۴ تا ۱۵ میلیون است. مضاف اینکه کارگران حقوق بالاتر از خط فقر و رقم ۱۶ تا ۱۷ میلیونی را طرح کرده بودند. در واقع افزایش دستمزد، بنا به تورم و گرانی افسار گسیخته که در ساعت و روز متغیر است، دست آخر آنچه پایان ماه به جیب کارگر می رسد، قدرت خریدی مثل سال پیش و چه بسا کمتر است. لذا سال پیش رو نیز بنا به شرایط بحرانی و به سیاق سالهای گذشته، سفره کارگران و تهیدستان رونقی نخواهد یافت و حداقل دستمزدی که شورای ضد کارگری کار تعیین کرده است با پیش بینی افزایش تورم و گرانی و

**اعدام قتل عمد دولتی است!**





## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

### اعتصاب کارگران پروژه‌های نفت

اعتراض خود را در خصوص رد "طرح تسری فوق‌العاده خاص" که با هدف افزایش حقوق کارگران جهاد کشاورزی تدوین شده بود، نشان دادند.

روز شنبه ۲۱ اسفندماه کارگران پروژه‌های شرکت جهانپارس (آینده‌سازان) و ایده‌سازان صدف در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ماه‌های دی و بهمن دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کارگران پروژه‌های نفت در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌های سه ماهه پایانی سال از روز ۱۵ اسفند شروع شده و هر بار کارگران از شرکت‌های بیمه‌انکاری مختلفی دست به اعتصاب می‌زنند.

### تجمع کارگران شرکت‌های دولتی مقابل شورای نگهبان

اعتراض رانندگان بخش دولتی سازمان اتوبوسرانی مشهد، روز سه‌شنبه ۲۴ اسفند ماه، به نشانه اعتراض با چراغ‌های روشن خودرو، به خدمت‌رسانی به مسافران ادامه دادند. آنها نسبت به عدم پرداخت حقوق و معوقات مزدی و مزایا معترض هستند و تاکید کرده‌اند: در صورت عدم رسیدگی به مطالبات و تحقق خواسته‌های خود، دست به اعتصاب زده و از انجام خدمت‌رسانی در سطح شهر سر باز خواهند زد.

روز شنبه ۲۱ اسفند جمعی از کارگران شرکت‌های دولتی، در مقابل ساختمان شورای نگهبان دست به تجمع اعتراضی زدند. تجمع کنندگان خواهان افزایش دستمزد متناسب با ماده ۴۱ قانون کار براساس سید معیشت و تورم هستند و نسبت به تأیید افزایش ۱۰ درصدی حداقل مزد در مجلس اعتراض دارند؛ معترضان از شورای نگهبان می‌خواهند که مصوبه مجلس در بودجه ۱۴۰۱ را تأیید نکند.

### اخراج دسته جمعی کارگران کارخانه سیمان خمسه زنجان

تجمع اعتراضی بازنشستگان صنعت فولاد در دامغان روز یکشنبه ۲۲ اسفندماه جمعی از بازنشستگان صنعت فولاد دامغان مقابل کانون بازنشستگان شرکت فولاد دامغان تجمع کردند و خواستار همسان سازی حقوق و مطالبات خود شدند.

مدیر عامل و مسئولان کارخانه سیمان خمسه دست به اخراج گروهی در این کارخانه زدند. دلیل اخراج کارگران این کارخانه را پیگیری مطالبات به حق آنها نظیر تغییر شیفت کاری، انتخاب نماینده کارگری و افزایش حقوق بوده است.

### تجمع اعتراضی بازنشستگان شرکت مخابرات ایران

روز یکشنبه ۲۲ اسفندماه جمعی از بازنشستگان شرکت مخابرات ایران اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان مقابل ساختمان وزارت ارتباطات دست به تجمع زدند.

### کارگران کارخانه سیمان آباده شش ماه حقوق دریافت نکرده‌اند!

تجمع بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی روز یکشنبه ۲۲ اسفندماه بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی اردبیل، تبریز، کرمانشاه مقابل اداره کل تأمین اجتماعی این استانها دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق و مستمری‌ها، مشکلات بیمه تکمیلی و وضعیت بد معیشتی خود معترض هستند. بازنشستگان تأمین اجتماعی خواهان افزایش و همسان‌سازی کامل حقوق‌ها هستند.

حدود ۱۸۰ کارگر شاغل در کارخانه سیمان آباده در استان فارس، تا شش ماه مطالبات مزدی معوقه دارند.

این واحد صنعتی حدود ۱۸۰ کارگر قراردادی و پیمانکاری دارد که به دلیل مشکلات مالی تا شش ماه مطالبات مزدی پرداخت نشده، طلبکار هستند. کارگران این کارخانه می‌گویند: فعالیت کارخانه سیمان آباده که در کیلومتر ۳۰ جاده آباده به شیراز واقع شده است، از چند ماه قبل دچار مشکلات مالی و مدیریتی است. کارگران با بیان اینکه آنها از کار در این کارخانه و از وضعیت موجود رضایت ندارند، افزودند: افزایش مشکلات تولید در این کارخانه تهدیدی برای امنیت شغلی کارگران کارخانه شده است. به غیر از بحث تأخیری که در پرداخت معوقات مزدی کارگران وجود دارد، پرداخت حق بیمه کارگران نیز با مشکل روبرو است و ممکن است کارخانه تعطیل شود.

### تجمع کارکنان جهاد کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری

تجمع بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد روز یکشنبه ۲۲ اسفندماه جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد اصفهان و تهران مقابل ساختمان این صندوق در اصفهان و در تهران مقابل ساختمان صندوق مرکزی فولاد کشور در خیابان وزرا تجمع کردند. بازنشستگان صندوق فولاد هر یکشنبه در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به تجمع می‌زنند.

کارگران اداره جهاد کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری، روز پنجشنبه ۱۹ اسفندماه، با برگزاری تجمع، نسبت به وضعیت معیشتی و بی‌عدالتی در پرداخت حقوق و مزایا و عدم همخوانی آن با نرخ تورم و گرانی اعتراض کردند. آنها با در دست داشتن پلاکاردهایی،

### مهدی فتحی از معلمان استان فارس به ۱۲ سال زندان محکوم شد

مهدی فتحی از معلمان فعال صنفی استان فارس توسط دادگاه انقلاب به ۱۲ سال حبس، دو سال تبعید به گرمسار، دو سال ممنوع‌الخروجی و دو سال ابطال گذرنامه محکوم شد.

## ستون اخبار کارگری

### و حرکتهای اعتراضی ...

#### سرکوب خشونت‌آمیز تجمع معلمان در رودسر

روز شنبه ۲۱ اسفندماه پس از شکل‌گیری هسته اولیه تجمع معلمان در رودسر برای دفاع از عزیز قاسمزاده همزمان با برگزاری جلسه محاکمه‌ی وی، پلیس با خشونت اقدام به پراکنده نمودن معلمان نموده، خودروهای حامل معلمان از سایر شهرها را متوقف نموده و افراد را ضرب و شتم کرده‌اند. نیروهای امنیتی مینی‌بوس حامل معلمان بندرانزلی که قصد شرکت در تجمع حمایتی از آقای قاسمزاده را داشتند، ابتدا به یک خیابان محل استقرار سپاه منتقل نمودند و هنگامی که معلمان از ماشین پیاده شدند با توهین و فحاشی ماموران روبرو شده و توسط نیروهای یگان ویژه که سر و صورت خود را پوشانده بودند به صورت وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار گرفتند به طوری که متأسفانه دو نفر از معلمان زن با توجه به آسیب دیدگی راهی بیمارستان شده و وضعیت خوبی ندارند. بنا بر اخبار منتشر شده نیروهای امنیتی و لباس شخصی محمود بهشتی لنگرودی، محمود صدیقی‌پور، حسن نظریان و مسعود فریخته را به همراه چند نفر دیگر دستگیر نموده و به دنبال بازجویی و همگی در ساعت ۱۸ آزاد شدند.

#### احضار به زندان نصرت بهشتی پیش از اتمام مهلت مرخصی درمانی

نصرت بهشتی معلم بازنشسته، با وجود موافقت دادگاه برای استفاده از مرخصی درمانی تا ۱۸ فروردین، در آستانه نوروز به زندان فراخوانده شد. نصرت بهشتی معلم زندانی که بیماری کلیوی دارد، روز شنبه ۲۱ اسفندماه ۱۴۰۰، در حالی که روی تخت بیمارستان بستری بود با دریافت احضاریه‌ای جهت تحمل ادامه حبس به زندان فراخوانده شد.

#### احضار جمعی از فعالان صنفی معلمان استان خوزستان

به دنبال تشدید سرکوب و ارباب معلمان و فعالان صنفی شعبه ۱۲ بازپرسی دادگاه انقلاب اهواز پنج تن از فعالان صنفی را به داسرا فراخوانده است. در این احضار به آقایان بهنیا بهمنی‌نژاد، شهریار شیروانی، سیامک چهارزی، اقبال تامرادی و خانم کوکب بداعی به مدت ۵ روز فرصت داده شد تا به بازپرسی مراجعه نمایند. آنها روز چهارشنبه ۲۵ اسفند در بازپرسی حاضر شده شدند و جلسه برگزاری دادگاه به بعد از تعطیلات نوروز موکول گردید. جمعی از معلمان خوزستان به صورت نمادین همکارانی که احضار شده بودند را همراهی کردند.

#### احضار رسول بداقی و حمید قندی به دادگاه

رسول بداقی و حمید قندی دو تن از اعضای هیات مدیره کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر در دو ابلاغیه جداگانه به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران احضار شدند. در این ابلاغیه‌ها که بطور جداگانه به دست آنان رسیده، مقرر شده است در روز ۱۵ فروردین ۱۴۰۱ برای محاکمه و دفاع از اتهامات انتسابی، خود را به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب معرفی کنند.

#### بختیار رضوانی معلم و فعال صنفی گچساران به دادگاه احضار شد

طبق ابلاغیه که از شعبه دوم دادیاری داسرای عمومی و انقلاب

گچساران به ایشان ارسال شده، این فعال صنفی معلمان پنج روز مهلت دارد ضمن حضور در دادگاه از اتهام انتسابی خود دفاع نماید.

#### تعیین زمان و شعبه دادگاه رسیدگی به اتهامات مازیار سیدنژاد

جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات مازیار سیدنژاد، فعال کارگری روز یکشنبه ۲۲ اسفند در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران برگزار خواهد شد. آقای سیدنژاد از بابت این پرونده در تاریخ ۱۷ خردادماه امسال توسط نیروهای امنیتی بازداشت و پس از حدود دو ماه با تودیع قرار وثیقه از زندان اوین آزاد شد.

#### بازداشت چندین نفر در مراسم یادبود صمد شعبانی

روز جمعه ۲۰ اسفند ۱۴۰۰، در جریان برگزاری مراسم یادبود صمد شعبانی، شاعر و نویسنده، تعدادی از حاضرین بازداشت شدند. در خلال این مراسم که با حضور تعدادی از شهروندان و فعالان مدنی و کارگری برگزار شده بود، با ورود نیروهای پلیس امنیت کرج، دستکم ۲۰ تن بازداشت شدند. از این میان، سها مرتضایی، علیرضا ثقی، هاله صفرزاده، الهام صالحی و سمانه (نام خانوادگی نامعلوم) به مکان نامعلومی منتقل و باقی بازداشت شدگان با اخذ تعهد آزاد شدند. به گفته یک منبع مطلع، ماموران تلفن همراه تعدادی از شهروندان را که با اخذ تعهد آزاد شده اند را ضبط کرده و همچنین از آنان عکسبرداری کرده است. صمد شعبانی، شاعر، نمایشنامه‌نویس و نویسنده، متأسفانه روز سه شنبه دهم اسفندماه ۱۴۰۰ در بستر بیماری درگذشت.

#### جراحت شدید یک کولبر بر اثر گلوله در مرز سردشت

پنج‌شنبه ۱۹ اسفندماه، یک کولبر به نام کیوان قادری ۲۷ ساله اهل سردشت بر اثر شلیک نیروهای نظامی در مرز این شهرستان به شدت زخمی شده است. وی بدون اخطار قبلی توسط نیروهای نظامی به همراه گروهی از کولبران مورد شلیک مستقیم قرار گرفته است. این کولبر در پی اصابت گلوله به ناحیه شکم و دست راست به شدت زخمی و جهت درمان به بیمارستانی در ارومیه منتقل شده است. وی متأهل و پدر یک فرزند است. پیش از این نیز، شامگاه روز سه‌شنبه ۱۷ اسفندماه، سه کولبر به نام‌های "پوریا عبدالرحمانی‌نژاد"، "پژمان عبدی" و "منصور عبدی" اهل شهرستان ثلاث باباجانی بر اثر شلیک نیروهای نظامی در مرز نوسود زخمی شدند.

#### مرگ دردناک یک کارگر در مواد مذاب

یک کارگر شاغل در شرکت تولیدی و خدمات صنایع نسوز توکا در اردکان یزد دچار حادثه شد. این کارگر که مجرباً مراد نام دارد، در حین کار با مخزن مواد ذوب شده (پاتیل) و به دنبال سقوط در آن، جان خود را از دست داده است. این حادثه در مجتمع صنعتی چادرملو شهرستان اردکان استان یزد، رخ داده است. شرکت تولیدی صنایع نسوز توکا عایق کاری کوره‌های ذوب مجتمع صنعتی چادرملو را بعنوان پیمانکار انجام میدهد. ایران در زمینه رعایت مسائل ایمنی کار در میان کشورهای جهان رتبه ۱۰۲ را به خود اختصاص داده که رتبه بسیار پایینی است.

#### در کرج و اصفهان دو کارگر جان باختند، یک کارگر مصدوم شد

روز یکشنبه ۲۲ اسفند، یک کارگر ساختمانی هنگام کار در یک ساختمان درحال ساخت در گرمدره شهرستان کرج، از طبقه هشتم ساختمان سقوط کرد و در دم جان باخت. معاون

## ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی ...

تدریس هستند برای شما مینویسم. ما به شدت نگرانیم هستیم که حکومت ایران به سرکوب و زندانی کردن معلمان بخاطر استفاده از حقوق اولیه انسانی شان که همانا آزادی بیان و آزادی برگزاری تجمع است، اقدام کرده است. معلمان در حمایت از شرایط بهتر و دریافت حقوق معوقه خود درگیر اعتراضات و فعالیت های صنعتی بوده اند.

اتحادیه معلمان ایرلند از اعتصابات و اعتراضات معلمان و خواسته های آنها بی هیچ چون و چرائی حمایت می کند. ما با احترام از شما می خواهیم که در این مورد مداخله کنید:

- ۱- توقف سرکوب، دستگیری و اخراج معلمان و فعالان صنفی.
- ۲- آزادی فوری بدون قید و شرط تمامی معلمان که زندانی شده اند.
- ۳- اجرای لایحه رتبه بندی و همسان سازی معلمان.
- ۴- استخدام دائم معلمان قراردادی در خدمات آموزشی.
- ۵- به رسمیت شناختن حقوق معلمان برای برگزاری تظاهرات بدون سرکوب، دستگیری یا ارعاب.

اتحادیه معلمان ایرلند خواستار اقدام فوری سازمان ملل متحد، کمیساریای عالی حقوق بشر، شورای حقوق بشر سازمان ملل و گزارشگران ویژه مربوطه و سازمان های بین المللی حقوق بشر برای رسیدگی به وضعیت معلمان در ایران است.

ارادتمند شما، مایکل گیلپی  
دبیرکل اتحادیه معلمان ایرلند

\*\*\*

فرمانداری انتظامی البرز در باره این حادثه گفته است نیروی انتظامی در پی تماس یک شهروند با شماره ۱۱۰ از حادثه مطلع شده و ماموران انتظامی پس از حضور در محل حادثه، با جسد بی جان کارگر روبرو شده اند. روز شنبه ۲۱ اسفند آتش سوزی در یک کارگاه تولیدی واقع در ابتدای جاده دولت آباد استان اصفهان به مرگ یک کارگر و مصدوم شدن کارگر دیگر انجامید. به گفته عباس عابدی سخنگوی اورژانس اصفهان، کارگری که جان خود را از دست داده ۷۰ سال سن داشته است.

### حمایت اتحادیه معلمان ایرلند از اعتراضات معلمان در ایران

نامه دبیر کل اتحادیه معلمان ایرلند به آنتونیو گوترز دبیر کل ملل متحد چهارشنبه، ۱۶ مارس ۲۰۲۲  
به آقای آنتونیو گوترز، دبیرکل سازمان ملل متحد

از اعتصابات معلمان ایران حمایت کنید  
دبیر کل محترم

من این نامه را از طرف اتحادیه معلمان ایرلند TUI که نماینده بیش از 19000 معلم و مدرس ایرلند که در دبیرستانها و آموزش عالی مشغول

## پیام شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به مناسبت سال نو ...

رادیکالیسم این جنبش ها می توانند رژیم اسلام و سرمایه را به لبه پرتگاه هدایت کند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست با گرامیداشت یاد و خاطره تمامی مبارزین راه آزادی و سوسیالیسم، فرا رسیدن سال جدید را به تمامی کارگران و زحمتکشان، زندانیان سیاسی و خانواده های شان و تمامی فعالین و مبارزین جنبش های اجتماعی جاری و همه مردمان در بند رژیم استبدادی و سرمایه داری جمهوری اسلامی، که این ایام را به طرق مختلف گرامی میدارند، شادباش می گوید.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

اسفند ۱۴۰۰ - مارس ۲۰۲۲

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

**به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست کمک مالی کنید!**

**آموزش رایگان برای همگان!**

## اسلاموفوبی تزی راسیستی است!

سیاوش دانشور

توضیح: سه شنبه این هفته سازمان ملل قطعنامه ای علیه اسلاموفوبی یا اسلام هراسی تصویب کرد. این یادداشت هفت سال پیش در پاسخ به این بحث نوشته شده است که مجدداً منتشر میشود. سردبیر.

بدنبال فاجعه جنایتکارانه و تروریستی در پاریس بار دیگر بحثهای قدیمی مجدداً طرح میشوند. آزادی بیان و نقد و دامنه آن، "مقدسات"، چه راسیسم است و چه نیست، آیا دولتها در خلق این اوضاع مسئول و مقصرند و یا گروههای تروریست اسلامی و دستجات نژادپرست؟ رشد راسیسم و نژادپرستی در این میان چه نقشی دارد؟ مردم از ادیخواه چکار باید بکنند و غیره، بار دیگر با حرارت تمام در رسانه ها و شبکه های اجتماعی طرح میشوند. یک سیاست محوری که توسط دولتها و روشنفکران طبقه حاکم و ژورنالیستها طرح میشود، بحث "اسلاموفوبی" است. اسلاموفوبی را بعنوان یک شکل راسیسم طرح میکنند و مرتباً تاکید میکنند که این جنایات مربوط به اسلامیون افراطی است و نه اصل اسلام. یادداشتی که میخوانید این ادعا را دارد که اسلاموفوبی یک تزی راسیستی است و تلاش میکند همین را مستدل کند.

در اروپای غربی بسیاری از چپها و فمینیستها هر نوع تقابل با اسلام را بعنوان "اسلاموفوبی" و "راسیسم" رد میکنند. "اسلاموفوبی" چیست؟ آیا تقابل با اسلام راسیسم است؟

ترمینولوژی "اسلاموفوبی" از محصولات ایدئولوژی آپارتاید پست مدرنیسم و نسبییت فرهنگی است که بویژه بدنبال واقعه ۱۱ سپتامبر و شعار "جنگ علیه ترور" بوش، از جانب مدافعان جنبش اسلامی وارد ادبیات سیاسی شد. ترم "اسلاموفوبی" با تعریف عمومی "اسلام هراسی و مسلمان هراسی" در ادبیات چپ اروپای غربی و در جامعه شناسی دانشگاهی دست راستی بعنوان "راسیسم جدید" تعریف شد و در ردیف عناوینی مانند "هموفوبیا" و "آنتی سمیتیسم" قرار گرفت. اگرچه استدلال ها در میان گروهها و طرفداران این ایده متفاوت است اما وجه اشتراک آنها اینست که "داشتن پیشداوری و دشمنی با اسلام و مسلمانان"، "اسلاموفوبی" نام میگردد و بعنوان شکلی از "راسیسم" معرفی میشود.

باید به مواضع سیاسی این نیروها در کشمکش های اجتماعی و سوالات واقعی اشاره کرد تا جایگاه این نوع استدلال روشنتر شود. اما واقعیت اینست که "اسلاموفوبی" عنوانی است که تلاش دارد زیر بغل جنبش ارتجاعی و آدمکش اسلام سیاسی را بگیرد و این عنوان چه از جانب دمکراتها و چپ ها و فمینیست ها، چه از جانب دولتهائی که ملاحظاتی سیاسی و امنیتی خود را در کنترل اسلام سیاسی دارند و تلاش دارند آنرا "معتدل" کنند، و چه از جانب جریانات اسلامی اساساً به یک معنا استفاده میشود.

به نظر من "اسلاموفوبی" که در ردیف مقولات راسیستی طبقه بندی شده و در میان عده ای جا افتاده است، خود یک ترم راسیستی است. عنوانی است که تلاش دارد به آپارتاید رسمی و قانونی و تقسیم شهروندان جوامع اروپائی به "اکثریت" و "اقلیت"، به "خارجی" و "اروپائی"، و گروهبندیهای دیگر رسمیت بدهد. "اسلاموفوبی"

عنوانی راسیستی است چون نقطه شروع انسانهای برابر و شهروندان دارای حق و مسئولیت برابر نیست. ترم "اسلاموفوبی" راسیستی است چون فرض بر اینست که انسانها و شهروندان جامعه بدواً هویت اسلامی و یا مسیحی و یهودی و ملی و قومی دارند. این دیدگاه دمکراسی و "تلرانس" را ایجاد وضعیتی میداند که در آن همه این گروهبندیها توسط قانون سهم شان برسمیت شناخته شده باشد. "اسلاموفوبی" ترمی راسیستی است چون هویت انسانها را بصورت دلخواهی مذهبی تعریف میکند و جوامع مسلمان نشین را "جوامع اسلامی" مینامد. جامعه ای که به دلایل سیاسی قابل توضیح که مثلاً اسلام در قوانین آن "دین رسمی" محسوب میشود، همه شهروندان آن یکجا و در آمارها "مسلمان" محاسبه می شوند. امری که مثل داغ لعنتی همراه شماسست و حتی وقتی در اروپا زندگی میکنید، کماکان در آمار "مسلمانان" محاسبه میشود. "اسلاموفوبی" راسیستی است چون راسیسم نهفته در اسلام و نگرش خشن مذهبی اسلام نسبت به دیگر شهروندان را تلطیف و قانونیت میبخشد. "اسلاموفوبی" در قلمرو سیاست عنوانی باجگیرانه است چون هر نقدی به اسلام را معادل "پیشداوری نسبت به مسلمانان"، "دشمنی با مسلمانان" و "تبعیض به مسلمانان" تلقی میکند. "اسلاموفوبی" عنوانی است که با تبلیغ "از اسلام نترسید" تلاش دارد زیر بغل اسلام سیاسی را بگیرد و بعنوان ضربه گیر اسلام سیاسی در جدال سیاسی عمل میکند.

بی دلیل نیست وقتی به سوالاتی مانند مسئله حجاب در مدارس و مراکز آموزشی، ساختن مساجد و مراکز مذهبی، قوانین شریعه در دل اروپای دمکرات و مدرن، حقوق زن و کودک در خانواده های اسلامی و غیره نگاه میکنید، می بینید که عمده کسانی که تلاش دارند ترم "اسلاموفوبی" را بعنوان "راسیسم جدید" به ما بخوراندند، از نظر سیاسی در پاسخ به این سوالات کنار جنبش اسلام سیاسی ایستاده اند. موضع این روشنفکران دانشگاهی، چپ و فمینیست با موضع آخوندی که در مسجد محل خرافات تبلیغ میکند یکی است. طرف در گتوی اسلامی که راه انداخته و خودش را "نماینده مسلمانان" آن کشور معرفی میکند، همان استدلالی را دارد که چپهای پست مدرنیست و روشنفکران بورژوا در آکادمی و رسانه ها تحویل ما میدهند. اسلامیون هر نقدی به اسلام را "توهین" به "مقدسات" می نامند و خواهان گسترش خطوط قرمز و "ممنوعه" برای گسترش کسب و کارشان هستند. روشنفکران متحد آنها هم میگویند نقد به اسلام با "توهین" به اسلام فرق دارد! هر دو میگویند اگر زنان و کودکان با حجاب در محل کار و مراکز آموزشی ظاهر نشوند، اصل "آزادی مذهب" و "آزادی پوشش" نقض شده است و همه اینها را علیه دمکراسی و

## اسلاموفوبی

### تری راسیستی است ...

راسیستی است و قاطعانه با آن مبارزه میکنیم. برای ما نقد اسلام با هر زبان و با هر مدیومی عین آزادی بیان است و هر نوع محدودیت آنرا باج به مذهب میدانیم. برای ما تقابل با اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی و دفاع از ارزشهای سکولار و حقوق جهانشمول یک پرنسپ قديمی است و با ابداع ترم "اسلاموفوبی" شروع نشده است. برای ما پست مدرنیسم و مشتقات آن اعم از نسبییت فرهنگی و "اسلاموفوبی" و غیره یک چهارچوب راسیستی و ضد کارگری است که اتفاقا نفی اصل برابری حقوقی و اجتماعی و هر دستاورد قديمی طبقه کارگر و سوسیالیسم را هدف خود قرار داده است.

ما در جدال با اسلام سیاسی در اروپای غربی و خاورمیانه جانبداریم و خود یک طرف این جدال هستیم. ما در کشمکش بر سر سولاتی مانند حجاب، مدارس مذهبی، راسیسم سیاسی و اداری، حقوق کودک، حقوق زن، آزادی بیان، قوانین محدود کننده آزادی بیان، سیاست دولتها در باره امنیت، و غیره جانبداریم و با ترم پوچ و من درآوردی "اسلاموفوبی" جا نمی زنیم. ما جنبشی هستیم که پروژه اسلام زدائی در ایران را دنبال میکنیم و به تغییرات بزرگ در خاورمیانه چشم دوخته ایم. جست و خیز معدودی روشنفکر نان به نرخ روز خور که همواره در هر کشمکشی خود را کنار ارتجاع می یابند، و یا سو استفاده احزاب و گروههای دست راستی که نتیجه ای از سیاستهای همین دولتها هستند، باعث نخواهد شد که ما در مسیر سیاسی مان تردید کنیم و نقد به اسلام و مبارزه با جنبش اسلام سیاسی را کم رنگ کنیم. ما اجازه نمیدهیم طرفداران ترمینولوژی راسیستی "اسلاموفوبی" زیر پرچم "مقابله با راسیسم" به ارتجاع اسلامی و ضد زن نیرو بدهند. برابری حقوقی شهروندان اعم از "مسلمان" و غیره یک اصل خدشه ناپذیر ماست. اما این موجب نمیشود نقد ضد اسلامی و ضد جنبش اسلام سیاسی بعنوان "حقوق ویژه" اسلاميون بایگانی شود.

بگذارید برای مزاح هم که شده در صورت ظاهر مسئله شریک شویم. بگذارید بپرسیم که واقعا اگر کسی از داعش ها، القاعده ای ها، الشباب ها، طالبان ها، آدمکشان جمهوری اسلامی، و تروریست های متفرقه اسلام سیاسی بعد از این همه توحش و جنایت "ترس و هراس" داشته باشد، آیا ترس ناموجهی است؟ میشود گفت از راسیست های دو آتشه هیتلری که فقط به قتل و خون می اندیشند "نترسید"؟ میشود به زنی که چاقوی مردسالاری را خوب میشناسد گفت از خشونت ضد زن "نترس"؟ مگر "ترس" همین دولتهای فحیمه از تروریسم اسلامی نیست که هزینه برپائی مسجد و منبر برای آخوندها و جنبش اسلامی را می پردازند؟ مگر همین "ترس" و استانداردها دوگانه آنها موجب نشده که زنان و کودکانی که در گتوها و جوامع تحت سلطه آنها چشم به جهان می گشایند، بیحقوق تر از هم نوعانشان در محله بغل دستی باشند؟ مگر خود اینها از "ترس" شان به اسلاميون در راه انداختن بساط دادگاه شریعه و قوانین آپارتاید و راسیستی تمکین نکرده اند؟

واقعیات سیاسی و اجتماعی و زندگی سیاه زنان و کودکان در محیط های اسلامی علیه این ژست ها و ترهات راسیستی مدافعان "اسلاموفوبی" گواهی میدهد.

"اسلاموفوبی" حتی در صورت ظاهر آن هم مسخره است. محتوا بجای خود که تماما راسیستی و آگاهانه پرو اسلامی است.

۱۱ ژانویه ۲۰۱۵

گسترش آن میدانند. هر دو میگویند نقد به اسلام "نفرت علیه مسلمانان" را گسترش میدهد و معادل "اسلاموفوبی" و یا "راسیسم" است! در طرف مقابل دولتها هستند که از ترس رشد تروریسم در کشورشان به اسلام سیاسی باج میدهند و تلاش دارند آخوندها و اسلاميون "معتدل" را بعنوان "نماینده مسلمانان" معرفی کنند. به آنها وسیعا امکانات و پول میدهند تا سیاست کنترل تروریسم را پیش ببرند. سیاستی که تاکنون نتیجه معکوس داده است.

واقعیت اینست که کل این اردو، مستقل از اینکه مذهبی است یا سکولار، منفعت مشترکی دارند. از دولتی ها تا آخوندها و اسلام سیاسی تا شبه روشنفکران و دمکراتهایی که برای جنبش اسلامی استدلال دفاعی دست و پا میکنند. همه شان و هر کدام بنوعی با خلط مبحث تلاش دارند نقد به اسلام و اسلام سیاسی را ممنوع و یا محدود کنند. "اسلاموفوبی" را نفرت و ترس بیمورد و پیشداوری نسبت به اسلام و مسلمانان نام میگذارند تا اسلام و اسلام سیاسی را از زیر فشار انتقاد سوسیالیسم و سکولاریسم نجات دهند. همه شان برابری و حقوق برابر شهروندی، مستقل از محل تولد و تعلق به این یا آن عقیده و گروه و فرقه، را عملا نفی میکنند و این پایه راسیسم نهادی در سیستم فکری آنهاست.

در عین حال این اردو با ترم "اسلاموفوبی" دو مسئله را قاطی میکند: اسلام و مردم منتسب به مسلمان. "اسلام هراسی" یا "اسلاموفوبی" نقد و مبارزه با اسلام بعنوان یک جنبش سیاسی را با "تبعیض به مردم منتسب به مسلمان" رندانه یکی قلمداد میکند. شما به ندرت با "آنتی راسیست هائی" در میان این جماعت که جار و جنجال "اسلاموفوبی" راه انداخته اند، مواجه میشوید که پر حرارت علیه اسلام و جنبش اسلامی است و همزمان از حقوق برابر شهروندان منتسب به مسلمان دفاع کند. برعکس، با ترم "اسلاموفوبی" میخواهند اسلام بعنوان یک ایدئولوژی و اسلام سیاسی بعنوان یک جنبش را از زیر فشار نجات دهند تا امامان و سر عشیره های اسلامی بتوانند بعنوان نماینده و سخنگوی "مردم منتسب به مسلمان" سلطنت کنند. آنها در واقع اسلامیسیم را زیر عنوان مقابله با راسیسم یاد میزنند. آنها در کنار مرتجع ترین نیروی های سیاسی و اسپرگرا تحت عنوان مقابله با راسیسم "جهاد" میکنند.

برای ما بعنوان کمیونست و آزادیخواه، که داور دمکراسی نیستیم، برای ما که هدف مان را بهبود شرایط زندگی کلیه انسانها قرار داده ایم، برای ما که از آپارتاید طبقاتی و آپارتاید فکری و فرهنگی منجریم، برای ما که بویژه درگیر جنگی تمام نشده با اسلام سیاسی هستیم، ترم "اسلاموفوبی" بعنوان شکلی از "راسیسم" حرف پوچی است که میخواهد راسیسم را بعنوان "مقابله با راسیسم" بفروشد. برای ما هر نوع نقص حقوق شهروندان منتسب به مسلمان امری

**توقف جنگ بیدرنگ!**

## یادداشت ها

سیاوش دانشور

### باز هم کارگران ایتالیا

#### ممانعت کارگران از انتقال سلاح به اوکراین

«کارگران فرودگاه پیزا از بارگیری اسلحه برای اوکراین خودداری کردند. بنا به اطلاعات مطبوعاتی اتحادیه های پایه \*، USB در پیزا، ایتالیا، محموله اسلحه و مهمات برای رژیم کیف را که از طریق فرودگاه غیرنظامی این شهر ترانزیت می کرد، محکوم کرد. کارگران فرودگاه وقتی متوجه شدند که این سلاح ها برخلاف آنچه اعلام شده بود، تجهیزات "بشردوستانه" نیستند، از بارگیری این سلاح ها خودداری کردند.

این اتحادیه اقدام دولتها را یک "تقلب واقعی" نامید که از پوشش "بشردوستانه" برای دامن زدن به جنگ در اوکراین استفاده می کند. اتحادیه USB به مقامات فرودگاه مراجعه کرده و خواستار توقف فوری این "پروازهای مرگ" شده است. USB همچنین کارگران را تشویق کرد که "به امتناع از بارگیری سلاح ها و مواد منفجره ای که به جنگ دامن می زنند، ادامه دهند و ما فقط با آتشبیس فوری و گفتگوهای صلح مجدد می توانیم آن را متوقف کنیم".

در نهایت اتحادیه خواستار تظاهرات در روز شنبه ۱۹ مارس در مقابل فرودگاه با این شعار شد: "از توسکانی، پل های صلح هوایی، نه پروازهای جنگی!" در فرانسه و ایتالیا: "نه یک یورو، نه یک سرباز، نه حتی یک سلاح برای جنگ!"

این سیاست کارگری ضد جنگ است و نه سیاست ارسال سلاح و خواست نو فلای زون (بستن آسمان اوکراین) توسط ناتو. کارگران ایتالیا پیشرو جنبش واقعی ضد جنگ اند. درود بر کارگران ایتالیا!

\*اصطلاح "اتحادیه های پایه" شامل بسیاری از سازمان ها با ساختارهای بسیار متفاوت می شود. این شامل تمام کارگران اتحادیه های معترض می شود که خود را آلترناتیو کنفدراسیون های اصلی اتحادیه (CGIL، CISL و UIL) معرفی می کنند و بخشا شورای کارخانه را تشکیل دادند. این اتحادیه حدود ۲۵۰ هزار عضو دارد.

\*\*\*

### در باره جنبش "ضد جنگ"

"جنبش جهانی ضد جنگ" حرکتی کمابیش شناخته شده است که عموماً با اهداف ضد میلیتاریستی، علیه جنگ طلبی، برای تداوم

"صلح" و همزیستی انسانها معنی میشود. جنبش ضد جنگ از دوره جنگ در ویتنام تا امروز به تناوب در قبال بحرانها و جنگهای مشخص ابراز وجود کرده است. جنبش ضد جنگ در بحرانهای بعد از جنگ سرد، اساساً خط حاکم احزاب مرکز و سوسیال دمکرات را منعکس کرده است. آرامش طلبی، حفظ وضع موجود و تلاش برای حل مسائل از طرق دیپلماسی نسخه و خواست این جنبش بوده است.

متأسفانه در بحران و جنگ کنونی، جنبش "ضد جنگ" خواهان گسترش میلیتاریسم، مشوق ناتو برای تامین امنیت آسمان اوکراین، مشوق ارسال سلاح و کمک فنی و حتی انسانی به اوکراین است. بعبارت دیگر، با جنبشی روبرو هستیم که بجای خواست فوری توقف جنگ و یا خواست قدیمی تر خلع سلاح، بر ارسال نیرو و تسلیحات و جنگ طلبی یک سوی ماجرا اصرار دارد. تظاهراتی دو هفته اخیر علیه جنگ در کشورهای مختلف، اگر نه عموماً، اما اساساً یکجانبه و طرفدار تشدید جنگ در اوکراین است. جنبش "ضد جنگ" کنونی ادامه سیاست آمریکا و ناتو است و به زبان و ادبیات آنها سخن میگوید.

یک نکته باید روشن باشد و آن تفکیک مردم و شهروندان جهان از رهبری حاکم بر جنبش موسوم به ضد جنگ است. اکثر عظیم این مردم مخالف جنگ هستند، صلح طلب و خواهان همزیستی مسالمت آمیزند. نگران گسترش جنگ و دستکم تأثیرات منفی آن به محیط کار و زندگی شان هستند، از قتل عام و کشتار منجرند و خود را در تقابل با سیاستهای میلیتاریستی و قلدری نظامی دولتها می بینند. "جنبش ضد جنگ" و رهبری آن، اما مستقل از مردم صلح طلب و ضد جنگ، یک پای جنگ و جدال دولتهای سرمایه داری است و بعنوان یک اهرم فشار سیاسی آنها در کنار ارتش رسانه ای عمل می کند.

### جایگاه جنبش "ضد جنگ"

علی القاعده جنبش ضد جنگ یک عکس العمل مردم متمدن جهان علیه سیاستهای ضد انسانی و ضد جامعه دولتهای سرمایه داری است. اوج حرکت این جنبش، لااقل بعد از جنگ سرد، مورد مقابله با حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ بود. در آنزمان در کشورهای مختلف میلیونها نفر به خیابانها آمدند، تنها در رم ایتالیا سه میلیون نفر در مهمترین و بزرگترین تظاهرات ضد جنگ شرکت کردند. در مادرید اسپانیا حدود یک و نیم میلیون نفر در تظاهرات شرکت کردند اما آمریکا تصمیم داشت حمله کند و بدون کمترین توجهی به افکار عمومی جهان با اتکا به دروغ به عراق حمله کرد. جنبش ضد جنگ در ایندوره مخالف توسعه طلبی و میلیتاریسم، بر علیه ادعاهای بوش و بلر و سران دولتهائی بود که متحد و مونتلف آمریکا بودند.

این جنبش در بحران اخیر بسیار تسلیم طلب و دنباله رو دولتها است. درخواست از ناتو برای بستن آسمان اوکراین، خواست ارسال سلاح و کمک سیاسی و نظامی و لجستیکی از "جنبش مقاومت در اوکراین"، با خواست "توقف فوری جنگ" بسیار فرق دارد. امروز بستر اصلی و خط حاکم به جنبش "ضد جنگ" بجز موارد معدودی در کشورهای ایتالیا، ترکیه و آمریکا، که علیه کل جنگ سرمایه داران بمیدان آمدند، هیچ مرز روشنی با نیروهای دست راستی فاشیست، دولتهای درگیر جنگ و سیاست میلیتاریستی ناتو ندارد.

نیروی اجتماعی تعیین کننده یعنی طبقه کارگر جهانی برافراشته شود. کارگران در صورت دست زدن به یک عمل واقعی، بسادگی میتوانند اکثریت مردم شریف ضد جنگ را باخود همراه کنند.

۱۵ مارچ ۲۰۲۲

### جام جهانی آدمکشی

بدستور محمد بن سلمان امروز یکشنبه ۸۱ زندانی مخالف اعدام شدند و بنا به اخباری در ملاء عام گردن زده شدند. یادتان باشد این همان تازه "لیبرال" و بروایتی "پرو رفرم" است که قرار بود عربستان را به قرن بیست و یک بیاورد.

اینکه عربستان سعودی و خانواده سلطنتی در آدمکشی و گردن زدن سابقه تاریک و طولانی دارند، شکی نداریم و این کشتار جمعی هم ادامه همین سنت و قانون کثیف و جنایتکارانه حاکم است. موضوع اما فراتر است. مسئله، بویژه با جنگ در اوکراین، آن فضای بین المللی و منطق حاکم بر جهان امروز است که فرصتی بدست داده تا همه دولتها و دیکتاتورها و سرعشیره ها و جنگ سالاران در "جهت درست تاریخ" بایستند، فرصت را غنیمت شمردند و خون بریزند.

گوئی مسابقات جام جهانی آدمکشی است. دولتها، رسانه ها، صنعت دین، مفسران، تحلیلگران، کارشناسان نظامی، متخصصین کارائی تسلیحات، پیمانکاران نظامی، سازمانها و دستجات فاشیست و اسلامی از بازیگران این سناریوی سیاه اند. در چنین فضائی است که بن سلمان ۸۱ نفر را گردن میزند، اینجاست که جمهوری اسلامی تحت عنوان "انتقام از اسرائیل" به گفته مقامات عراق و کردستان عراق به مناطق مسکونی اربیل موشک میزند، دولتهای اسرائیل و ترکیه و پاکستان، طالبان و داعش و ... همینطور.

این منطق و کارکرد فاشیسم است. این اقدامات پرده هائی از یک نمایش جنایتکارانه بسیار بزرگتر است که دولتهای سرمایه داری و نیروهای دست راستی و آدمکش برای کارگران و بشریت تدارک دیده اند. کارگران و مردم آزدیخواه در کشورهای مختلف و در منطقه خاورمیانه باید علیه دولتهای مستبد و اسلامی و میلیتاریست و آدمکش سدی ببندند.

\*\*\*

## یادداشت ها ...

تنها استثنا تظاهراتهای وسیع در شهرهای روسیه است که محتوای جنبش ضد جنگ را بدرستی منعکس میکند، علیه دولت "خودی" جنگ طلب است و خواهان توقف فوری جنگ. اعلام همبستگی مردم روسیه با مردم و کارگران در اوکراین، باید در کنار هیستری ضد روسی بررسی شود که رسانه های غربی و دولتها آگاهانه مشغول آند. سیاست جنبش ضد جنگ در روسیه در کنار سیاست کارگران در ایتالیا قرار میگیرد که علیه جنگ سرمایه داران و قدرتهای اقتصادی ایستاده اند.

### اهرمهای جنبش ضد جنگ

جنبش ضد جنگ بطور کلی و مستقل از سیاستش، اهرم تعیین کننده ای در توقف سیاستهای میلیتاریستی و امپریالیستی نیست. این جنبش متکی است به قوانین و چهارچوبهای جهانی که توسط نویسندگان و حافظان همین قوانین زیرپا گذاشته میشود. این جنبش یک شاخص مهم برای افکار عمومی در هر دوره ای است که اهرمی برای اعتراض موثر ندارد و انسانیتش و اعتراضش را تنها میتواند با حضور در چند تظاهرات علیه جنگ و قتل عام مردم بیدفاع اعلام کند. لذا توقع زیادی از این جنبش نباید داشت. اما نیروی این اعتراض تنها زمانی میتواند موثر واقع شود که جنبش واقعی علیه جنگ طلبی بمیدان بیاید و این تنها با طرح سیاست و اقدام روشنی از جانب طبقه کارگر در این کشورها میسر است.

سیاست تقابل با کل جنگ امپریالیستی و اهداف ارتجاعی دولتهای درگیر، اعتصاب کارگران برای ختم فوری جنگ، برافراشتن پرچم و سیاست انترناسیونالیستی کارگری در مقابل سیاست جنگ طلبانه گلوبالیست های حاکم، تلاش برای ممانعت از اختیار سازماندهی جنگ توسط دولتها، حمایت وسیع از آوارگان و قربانیان جنگ، تقابل با راسیسم و نژادپرستی که در زمان جنگ و توسط رسانه ها میدان فراخی یافته است؛ از خطوط یک حرکت آلترناتیو علیه جنگ و رقابت سرمایه داران است. سیاست حاکم به جنبش "ضد جنگ" کنونی، جنگ طلبانه است و بعبارتی بورژوازی همین سنگر ضعیف دفاعی را نیز فتح کرده است. این پرچم باید در جای موثر و میان

**جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم،**

**بدون «خطر» سوسیالیسم، به چه منجلابی تبدیل میشود!**

منصور حکمت

**نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!**

## پیام شورای همکاری نیروهای چپ و

## کمونیست به مناسبت سال نو



در حالی که استقبال بهار طبیعت و آغاز سال جدید خورشیدی ۱۴۰۱ می‌رویم که همچون سالهای گذشته، فقر و فلاکت، تورم و بیکاری و تبعیض و سرکوب در ایران بیداد می‌کند.

نوروز که قرار است بهانه‌ای باشد برای نو نوار کردن خانه و خرید لباس تازه برای فرزندان، دیدار دوستان و آشنایان و فرصتی باشد برای شادکامی و پایکوبی، اما در زیر سایه سیاه حاکمیت رژیم استبدادی و سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، به امری نادر تبدیل گشته‌اند.

رژیم با حاکم نمودن فقر و فلاکت و تباهی بر زندگی کارگران و زحمتکشان، آنها را از هستی ساقط نموده است و اندک بضاعتی برای استقبال از بهار شکوفان طبیعت برای آنها باقی نگذاشته است.

مدتهاست که مایحتاج اولیه زندگی به کالاهایی لوکس مبدل شده‌اند به طوری که اکثریت تهیدستان شهر و روستا با سفره خالی، طبیعت زیبای بهاران را نظاره می‌کنند و با الهام از سرسختی طبیعت عزم خود را برای در هم شکستن زمستان سیاه حاکم بر زندگیشان صیقل می‌دهند.

در چنین شرایطی و در آستانه سال نو "شورای عالی کار" (مثلث سه جانبه ضد کارگری) حداقل دستمزد یک کارگر را چهار میلیون و ۱۷۹ هزار تومان در ماه تعیین کرده است که گویا با بن خواربار، حق مسکن و حق اولاد میتواند به بالای شش میلیون تومان هم برسد، اما این رقم هم شامل حال کارگران روز مزدی و کارگران شاغل در بخش خدمات نمی‌شود. این در حالیست که خود نهادهای رژیم خط فقر را حدود ده میلیون تومان ارزیابی کرده‌اند که با داده‌های اقتصادی واقعی و از جمله رقمی که شماری از تشکل‌های مستقل کارگری ایران اعلام کرده‌اند یعنی ۱۶ میلیون تومان فاصله زیادی دارد.

رژیم ادعا می‌کند که برای افزایش واقعی دستمزد کارگران و حقوق بگیران، بودجه کافی ندارد، اما هر سال موقع تدوین بودجه سال جدید، یادش نمی‌رود که بودجه سپاه و سایر نهادهای سرکوبگر نظامی، انتظامی و امنیتی را افزایش دهد و یا بر بودجه نهادهای ارتجاعی مذهبی بیفزاید، گوئی آنها با پایان سرمایه‌داری زمستان و رجعت بهاران، شکست و انهدام قطعی خود را با تمامی ساز و برگ و جهل و جنایت‌شان احساس می‌کنند.

امروزه جوانه‌های فردا، در نبرد طبقاتی جامعه ما بیش از سالیان گذشته چهره نموده است و آنرا می‌شود در مبارزات اخیر کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و سایر زحمتکشان، در هر گوشه کشور دید، مبارزه‌ای پیگیر و شجاعانه برای معیشت و منزلت انسانی اردوی کار و رنج، مبارزه غرور انگیزی که از طریق تقویت همبستگی‌های متقابل و گسترش سازماندهی و تشکل‌یابی و بالا بردن

صفحه ۱۱

آدرسهای تماس با حزب  
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

[jamalkamangar@yahoo.com](mailto:jamalkamangar@yahoo.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

[sharifi.nader@gmail.com](mailto:sharifi.nader@gmail.com)

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

نشریه  
کمونیست

برنامه‌های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست

کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال

آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و

دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!